

نوشته ها، مشاهدات، مقالات خود را برای ما به این آدرس بفرستید  
xyaban@gmail.com  
برای اشتراك روزانه با این آدرس الكترونيكي تماس بگيريد  
khyaboon@gmail.com



# خیابان

شماره ۲۲ - دوشنبه ۲۲ تیر ۱۳۸۸

زنده باد حکومت مردم

زنده باد مقاومت مردمی در برابر کودتا

آزاد باد همه زندانیان سیاسی

نابود باد گاردهای کشتار

مرگ بر دیکتاتور

## سهراب اعرابی در خاک آرام گرفت فرماندهان کشتار هنوز در مسند قدرتند

### اعدام چهارده شهروند بلوچ را متوقف کنید

فعالان حقوق بشر در ایران بنا به اعلام دادگستری استان سیستان و بلوچستان ۱۴ متهم به فعالیتهای سیاسی یا امنیتی فردا راس ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه صبح در ملاء عام در شهر زاهدان اعدام خواهند شد. فارغ از اینکه مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران باور دارد اعدام موجب ایجاد ناهنجاری در جامعه می شود و نظم و نسق جامعه و حیات اجتماعی را دچار خلل کرده و خشونت را ترویج می کند این مجموعه باور یافته است اعدام ۱۴ بلوچ در سحرگاه فردا و در ملاءعام تنها واکنشی به رویدادهای اخیر این منطقه و نشات گرفته از فضای سیاسی و امنیتی این نقطه از کشور است بر این اساس احکام مذکور را نه احکامی حقوقی که سیاسی میخواند.

اسامی این ۱۴ زندانی به جز یک تن (عبدالحمید ریگی) مشخص نیست، زمان و محل های بازداشت آنان مشخص نیست، وکیل مدافع منتخبی در پرونده حضور نداشته است، حداقل یک زندانی احراز هویت شده این پرونده ماهها در سلول انفرادی نگهداری شده است.

در زمان بازداشت این افراد منابع محلی از شکنجه و بدرفتاری با آنان اطلاع داده بودند. این افراد در دادگاهی غیر علنی محاکمه شده اند و مراحل مختلف پرونده منجمله تجدید نظر یا دیوان عالی روشن نیست چگونه طی شده است. در مجموع رویه محکوم شدن این افراد منطبق با قانون و معیارهای حقوقی پذیرفته شده ارزیابی نمی گردد. لازم به ذکر است مجموعه گزارشاتی دریافت نموده که حاکی از اعدام این افراد با لباس محلی بلوچی همچون سه اعدامی پیشین این شهر در ملاءعام است، مطمئناً این اقدام غیرقانونی علاوه بر مضرات نفسه اعدام باعث ایجاد تنفر قومی و ترویج خشونت در سطح منطقه می شود.

از این رو مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران از مقامات قضایی کشور می خواهد ضمن حفظ احترام به حقوق اقلیتهای ملی با متوقف کردن اجرای احکام اعدام این شهروندان علاوه بر جلوگیری از افزایش نفرت و خشونت در این منطقه محروم کشور مقدمات برگزاری یک محاکمه عادلانه و علنی را بر پایه معاهدات و مقاوله نامه های جاری فراهم آورند. این مجموعه همچنین از سایر مدافعان حقوق بشر و نهادهای ذیربط خواستار واکنش مناسب نسبت به موضوع مورد اشاره و تلاش برای توقف احکام اعدام این شهروندان بلوچ دارد.

### قتل یک روزنامه نگار در مشهد

### اخباری از تجمعات خانواده ها

سی روزی از آنچه انتخابات ریاست جمهوری ایران نامیده می شد می گذرد. سی روز فشرده که در آن آگاهی جمعی لایه لای ترور، شلیک، شکنجه و دروغ حاکمان به شدت رشد کرد و دیگرگونه شد. ماهیت نظام جمهوری اسلامی و قوانین و قواعد ضد مردمی آن به وضوح در برابر همگان عریان شد و مردم توان جمعیت خود و با هم بودن خود را کشف کردند.

آن هاله های وهمی که بسیاری را در خیال شیرین تغییر گام به گام فرو برده بود در هم شکست و شعله های بیداری بر پشت بام های کشور افروخته شد. مردم در جریان مبارزه خود علیه حکومت کودتایی به تناقض نظام مبتنی بر ولایت فقیه و نظامی مردمی و مبتنی بر نظر مردم پی بردند. مردم به نامردمی بودن سپاه و بسیج پی بردند، زمانی که گلوهای ترانه خوانشان به گلوله های آنان هدف قرار گرفت. مردم به جنایت های هرروزه ی پنهان دولت پی بردند، زمانی که بر همگان آشکار شد که ثروت اجتماعی هزینه ی پیشرفته ترین تجهیزات سرکوب پلیسی و تکنولوژیک ترین نرم افزارهای کنترل و جاسوسی شهروندان جامعه می شود.

خامنه ای فرمان کشتار را صادر کرد، و هر روز جنازه ی تازه ای را به خانواده های سوگوار ولی خشمگین و معترض تحویل می دهند. آن دلک بی مایه، احمدی نژاد، از آزادی سخن گفت، در حالی که هزاران جوان در کمپ های مرگ حکومت نوبت روزانه شکنجه را دریافت می کنند. آن نظامی فریه نامه های فریب به مهدی موعودش منتشر کرد، آن زمان که مادران وطن در جستجوی فرزندان مفقود خود در دالان های عدالت اسلامی اهانت دیدند و وقوع فاجعه را در قلب های امید خود لرزه نگاری کردند.

این آگاهی رشد یافته و جمعی، تنفس هوای خفه را ناممکن ساخته است. گذر از آگاهی به کنشگری، گذر از فهم مناسبات کیفی و اختناق آور و ناعادلانه، به دگرگون کردن این مناسبات و بنای جامعه ای آزاد و برابر، در گروهی سازمان یابی است. بگذار آنان که از قدرت مردم در هراسند و دل در گروهی جایگزین کردن لایه ای از حاکمان امروز با لایه ای از حاکمان فردا دارند سخن از راه های سهل الوصول تغییر بگویند. بگذار آنان با ایده هایی چون تلویزیون سبز خواب های رنگینی درباره ی کنترل از راه دور مردم و ابقای آنها در نقش تماشاچی سیاست ببینند. مردمی که تماشاچی کودتای باقی نماندند و شده با جان خود به دخالت در سرنوشت زندگی خود برخاستند اما بسیار پیشتر از خواب های رنگین این عده گام بر می دارند. مردم متوجه شده اند که برای واژگون کردن سازمان ستم، به سازمان خود نیاز دارند. سازمانی که نه همچون حزب پیشنهادی موسوی تن به رشد در جداره های مسموم قانون کودتایی دهد، بلکه برای درهم شکستن آن جداره ها و رسیدن به فضای آزاد زندگی رشد کند.

سازمان بزرگ مردم، مجموع سازمان های کوچکی است که در دل نبرد با کودتا جوانه می زند و استوار می شود و حاکمیت مردم را با شکست دادن حاکمیت ضد مردم تضمین خواهد کرد.



### سازمان مردم

امیر ک.

### فریاد آزادی در شبهای مرگبار ایران

ساعت را روی ۱۰ شب کوک کرده ام تا لحظه ی نبرد را یادآوری کند. اما پیش از آنکه ساعت چیزی بگوید با ماشین از در خانه میزنم بیرون تا صدای مقاومت را در شهر بشنوم. از کوچه که خارج می شوم یک تاکسی زرد رنگ را می بینم که پر از مزدور وارد کوچه می شود برای اینکه مطمئن شوند از پس آن همه سرکوب و جنایت صدایی نمانده، اما دقایقی نمی گذرد که ....

در سربالایی سعادت آباد ماشین را خاموش می کنم تا صدای مقاومت را بشنوم. ناگهان شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه ای .... همه ی وجودم پر از شادی می شود. بی اختیار سر از ماشین بیرون میکشیم و فریاد می زنم مرگ بر .....

معدود ماشین های رهگذر و عابرین نگاهی از سر کنجکاو میاندازند و پژویی که از کنارم به آرامی میگذرد لبخندی میزند و با دست نشان پیروزی را نشانم می دهد. وارد ظفر می شوم، حدود ۴۰/۱۰ شب است و هنوز مقاومت فریاد می زند. دقایقی بعد هنگامی که از ایست بازرسی مزدوران رژیم مقابل حسینیه ی ارشاد میگذرم، دوستی از اکباتان تماس می گیرد و با صدایی هیجان زده می گوید «گوش کن صدای مقاومت رو»، و بعد گوشی رو طوری قرار میدهد که صدای « مرگ بر ...» گوشم را پر میکند. با خوشحالی شریعتی را به پایین می آیم، امیدوار تر از لحظات قبل، و امیدوار تر از همیشه که جنبش دگرگون خواهی ایران را دیگر خاموشی نیست چون همچنان فریاد مبارزان آزادی سکوت مرگبار شبهای ایران را میدرد. آرمان.الف



**گام اول: شکستن فضای سرکوب**

منارعه ای که میان حاکمیت و ملت در گرفته ،پدیده ای تجربه نشده لاقفل در تاریخ ایران است.هم از نظر وسعت سرکوب و میزان هزینه ای که برای آن صرف می شود و هم از نظر پیچیدگی آن.اما به میزان تازه بودن جنس این سرکوب و حجم آن ، نوع مقاومت مردم نیز تازگی و پیچیدگی بی بدیلی یافته است.اگرچه سازوکار مبارزه در دم خلق می شود اما باید یک استراتژی مشخص را مورد نظر قرار داد تا سازماندهی مبارزه از دست نرود.به ویژه اکنون که سازماندهی مقاومت در قالب گروه های متکثر و تقریبا مستقل از هم انجام می گیرد.با داشتن استراتژی چند منظور تامین می شود:

نخست آنکه ، اهداف پیوسته در جلوی دید قرار دارد و چشم انداز مبارزه را برای تعیین مسیر مقاومت شکل می دهد

دوم ، نوعی حس اعتماد در میان گرو های مقاومت ایجاد میکند

سوم، از آنجا که سازماندهی سراسری وجود ندارد و گروه های همتراز به مقاومت می پردازند، وجود استراتژی مشترک از شتت گروه ها جلوگیری می کند.

اما علیرغم استراتژی مشترک می توان تاکتیک های متفاوتی را دنبال کرد.و از آنجا که گرو ه های درگیر منازعه از بخش های مختلف جامعه تشکیل شده اند ، حسب وضعیتی که افراد دارند ، می توانند تاکتیک های قابل اجرا متناسب شرایطشان را به اجرا بگذارند.

با توجه به مردمی بودن مقاومت ، استراتژی را می توان مطابق با خواست عمومی که در شعارها منعکس شده است تعریف کرد.

هدف نهایی ، در این مبارزه حذف جمهوری اسلامی و تشکیل یک دولت دموکراتیک است.اما تا پیش از آن باید مبارزه را گام به گام پیش برد.

گام اول ، مقابله با سرکوب فیزیکی و روانی رژیم است. اکنون که فضای سنگین امنیتی بر جامعه حاکم شده است فوری ترین و ضروری ترین حرکت شکستن این فضا و ایجاد فضای تحرک عمومی است.برای اینکار سازوکارهای متفاوتی وجود دارد:

مثلا، شعار نویسی در اماکن عمومی و به ویژه روی ساختمان های دولتی ، شعارنویسی روی اسکناس ها، ادامه ی شعارگویی های شبانه، تشکیل حلقه های کوچک محلی و دوستانه برای مقاومت جمعی، بلوتوث کردن تصاویر زخمی ها و شهدا از طریق موبایل در میان جمعیت مثلا مترو، پاشیدن بذر امید به تداوم مقاومت در میان جامعه و عنوان این موضوع که این مقاومت چندین ماه ممکن است به طول انجامد، استفاده از تصاویر شهدا روی صفحه ی موبایل ها ، فشار بر خانواده ی مزدوران شناخته شده ، پخش تصاویر این مزدوران در قالب صفحات پرینتی در سطح شهر به ویژه در محیط زندگی این افراد، و.....

این روشها و نیز کارهایی همچون بالا بردن میزان مصرف برق و پرداخت نکردن قبوض تا لحظه ی آخر می تواند علاوه بر شکستن این فضا ، به کشاندن بخش عمده ای از جامعه به عرصه ی مبارزه کمک اساسی کند.

لازم به توضیح است که همان میزان که ایرانیان داخل کشور مسئولیت ویژه ای در قبال این مبارزه دارند ایرانیان خارج نیز مسئولند.ضمن آنکه فضا برای حرکت ایرانیان خارج بسیار مهیاتر از ایرانیان داخل است.از اینرو انتظار میرود هموطنان خارج از کشور به طور محسوس و موثری بر خواسته ی جامعه ی ایرانی با راه اندازی جریان های اعتراضی در شهرهای مختلف جهان ، پا فشاری کنند.

آرمان‌الف

**میلیاردها تومان هزینه برای ممانعت از**

**دسترسی مردم به اینترنت**

با افزایش اقدامات دولتی برای انسداد مجاری خبری و اطلاعاتی در کشور، مرکز «مبارزه با جراثم سایبری» ضمن ارائه آماری در مورد تعداد سایت های فیلتر شده، به هزینه ای برابر با ۴ میلیون که برای فیلتر کردن ۱۰ میلیون سایت صرف شده، اشاره کرده است. در این گزارش آمده است که مقابله با سایت ها با خرید نرم افزارهایی از کشورهای خارجی صورت می گیرد. شمار بازدید کنندگان سایت های «ممنوعه» ۱۲ میلیون ذکر شده است.

یکی دیگر از مواردی که در این گزارش آمده، ناموفق بودن اقدامات محدود کننده است. گفته می شود بسیاری از سایت ها با این که مسدود شده اند، روزانه دهها هزار بازدید کننده دارند که با دور زدن سد فیلتر، به سایت های مورد علاقه خود می رسند.

جالب توجه است که در حالی میلیاردها تومان ثروت اجتماعی در راه هوس های مشتی دیکتاتور و بقای نظام فاشیستی هزینه می شود که اکثریت مردم جامعه ایران با کمبودهای فراوانی در زندانی روزمره خود مواجهند.

# محض گل روی بهار، ضامن را رها نکن

**محض گل روی بهار،ضامن را رها نکن**

خرداد است

و باد این آوازه خوان غمگین

که پرسه می زند

خوب شد فهمیدم عشق، حقیقتی است که

در خشن لاخ زمین رخ می دهد

و زیر آسمانی که آبی نیست

خرداد است و باد غمگانه نجوا می کند

آهای جوجه شاعر

به چه می اندیشی؟

به من بگو چگونه فریاد کنم؟

همه چیز تمام نشده است

:چقدر به خودم نهیب بزنم

کجا کی و چگونه؟

خرداد است و باد غمگنانه قدم می زند

خرداد است

اما من احساس خنکی دارم

و می گردم به دنبال خورشید، یک ستاره یک ماه گمشده

آهای معلم ها به من بگویید چه کاری بهتر است؟

حالا که قلم ندارم

انگشتانم به چه کار می آیند؟

خرداد است و باد غمگنانه فریاد میکشد:

از ضامن خارجش نکن!

نوک مگسک ، قناری ها را نشان می دهد

به خاطر بهار ، بگذار آوازشان را بخوانند

**For Sake Of Spring Don't Release**

**The Spring**

It is June

And wind is singing

In a sad tune

Well I understand that love can be

true

When the ground is not smooth

And the sky's not blue

It is June

wind is whispering in a sad

tune

What are you thinking about

Hey bedding poet

Tell me how can I shout?

It is not all over now

How many times shall I tell

Myself when, where and how?

It is June

wind is walking in a sad

tune

It is June

But I feel cold following

The sun a star and a lost moon

What is the way?Hey teachers

Tell me when I have no pencil

What can do these fingers?

It is June

wind is yelling in a sad tune

Dont release the spring

Point of balance shows some canaries

For sake of spring, let them sing.

By: Naser Saremi(b.۱۹۶۲)

**بیانیه انجمن مبارزه با شکنجه و معافیت از**

**مجازات از مکزیک درباره ایران**

انجمن مبارزه با شکنجه و معافیت از مجازات – CCTI، سازمان مستقل مکزیکی دفاع از حقوق بشر، که برای دستیابی به دنیائی دیگرگونه، دنیائی عاری از شکنجه و آزار مبارزه می کند، روش های اقتدارگرایانه و سرکوبگرانهء دولت جمهوری اسلامی ایران را که هدف از آنها خاموش کردن اعتراضات مردمی کنونی ست محکوم می کند. این اعتراضات درپی آشکار شدنِ تقلب در انتخابات ریاست جمهوری دامنه ای بسیار گسترده یافته است. ما با مردان و زنانی که خیابان ها را در شهرهای مختلف به تسخیر خود در آورده اند تا به یک رژیم دیکتاتوری بگویند «دیگر بس است» ابراز همبستگی می کنیم.

رژیم ایران مسئول ناپدید کردن، شکنجه، و اعدام دهها هزار مبارز و نیز از میان بردن تمام تشکل ها در دههء ۱۹۸۰، و همچنین سرکوب و زندانی کردن هزاران نفر از حق طلبان است از جمله دستگیری رهبران کارگری در تظاهرات اول ماه مه ۲۰۰۹.

پاسخ امروزمین دولت ایران همان پاسخی ست که در کشورهای دیگر دیده ایم: از جمله در مکزیک، همین روش را در مقابل رشد نارضایتی های اجتماعی به کار می برند. سرکوب علنی و دستگیری های بی رویه، شکنجه، زندان، ناپدید کردن، قتل، اعدام، و غیره. به آن چه بر شمرده شد، آلت دست قرار دادن رسانه های گروهی را نیز باید افزود: برجسب جنائی زندن به تظاهرات، مجرم وانمود کردنِ تظاهر کنندگان، اعتراف گیری از افراد زیر شکنجه به جاسوسی و پخش گسترده آن در تلویزیون، دستکاری در اخبار و غیره.

می دانیم که هدف از این اقدامات شکستن شخصیت فرد و روابط اجتماعی اوست و به طور کلی ایجاد جو ترس و عدم اعتماد در بین مردم و جامعه. بدین وسیله می خواهند بسیج عمومی و روند های تشکیلاتی مبارزات مردمی را به سکوت بکشانند، فلج کنند، از هم بپاشند و جلوی آن را بگیرند.

تصویر نیروهای انتظامی رژیم که بر تظاهر کنندگان یورش می برند، ما را به یاد سرکوب های سن سالوادر آتنکو در ماه مه ۲۰۰۶ می اندازد. زمانی که ۳۰۰۰ پلیس و ارتشی به منظور سرکوب اعتراضات وارد این روستا شدند. آن ها ۲۰۰ نفر را دستگیر نمودند، همهء آن ها را در مسیر زندان شکنجه کردند، و دو جوان را به قتل رساندند. هنوز ۱۲ نفر از آنها زندانی اند، با حکم هائی بین ۳۱ تا ۱۱۲ سال زندان. چنانکه یادآور قتل عام های اگواس بلانکاس در سال ۱۹۹۵، اکتھ آل، چپاپاس در ۱۹۹۷، ال چارکو در ۱۹۹۸، و سرکوب جنبش آموزگاران در اوآخاکا در ۲۰۰۶، و بسیاری دیگر.

در عین حال، ما اشکال مختلف مقاومت در برابر شکنجه و سرکوب را نیز به یاد می آوریم. سه سال است اردوگاهی که در مقابل زندان برای کمک به زندانیان آتنکو برپا شده، همچنین تظاهرات مختلف در همبستگی با شکنجه شدگان، دادگاهی شدگان و زندانیان، شکایت علنی و قانونی زنانی که مورد شکنجهء جنسیتی قرار گرفته اند، و نیز سازماندهی روستاها برای پیشگیری از ورود نظامیان ادامه دارد. تمام این ها گویای نیرو و ارادهء زنان، مردان، انجمن ها و سازمان هائی ست که دیگر نمی خواهند تن به سکوت بسپارند، که برمی خیزند و برای حقوق اساسی خود مبارزه می کنند.

سه دهه است که دیکتاتوری رژیم حاکم بر ایران حقوق اساسی شهروندان خود را زیر پای می گذارد. ما از این که به رغم اینهمه سرکوب، مردم مصممانه برای مطالبهء حقوق خود، باز هم خیابان ها را به تصرف درآورده اند، خشنودیم و سرشار از امید. ما یقین داریم که نمی توان شآن و حیثیت انسان ها را نابود ساخت. رزمیدن برای حفظ حیثیت انسانی البته به رنج هایش می ارزد.

ما همبستگی خود را با تمام کسانی که در جستجوی جامعه ای عادلانه و آزاد به پا خاسته اند اعلام می کنیم.

از مسئولین [دولت] ایران می خواهیم که به حقوق جهانشمول بشر، از جمله حق آزادی بیان، حق تشکل، حق یک زندگی عاری از شکنجه و آزار احترام بگذارند.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

شکنجه – هرگز!

انجمن مبارزه با شکنجه و معافیت از مجازات

مکزیک، ۹ ژوئیهء ۲۰۰۹ ترجمهء بهرام قدیمی



